

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۸

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵

تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران: موضوعات، روش‌ها و منابع*

مهدی سلطانی** هادی ندیمی***

چکیده

۵۱

وجه مختلف معماری عامه مردم، در تاریخ معماری ایران کمتر شناخته شده‌اند. مردم عادی، در بخش مهمی از آثار معماری زندگی می‌کرده و نسبت به آن آثار، ذهنیتی داشتند. آنها همچنین نسبت به پیشه معماری، روند طراحی و ساخت، معمار و حامیان و بنیان آثار معماری، باورهای مختلفی داشتند. با توجه مورخان به ذهنیت مردم گذشته نسبت به پدیده‌های مختلف زندگی خود، رویکرد تاریخ ذهنیت به‌عنوان یکی از شاخه‌های تاریخ فرهنگی، در تاریخ‌نگاری مطرح شد و با گذشت زمان توسعه یافت. از این رویکرد تاریخ‌نگاری، می‌توان در مطالعات معماری ایران و برای شناخت ذهنیت مردم عادی نسبت به معانی مختلف معماری در گذشته بهره برد. این رویکرد به‌جای توجه به کالبد معماری خواص و همچنین اندیشه‌های رسمی، تصورات و دیدگاه‌های جمعی و روزمره مردم عادی نسبت به معماری را مطالعه می‌کند. این رویکرد، از روش‌های مختلف میان‌رشته‌ای رایج در علوم انسانی بهره می‌گیرد و آدابی خاص خود دارد. موضوعات و مصادیق تاریخ ذهنیت در معماری ایران، متنوع هستند. موضوعاتی چون؛ ذهنیت مردم نسبت به معماری خصوصی، نگاه آنها به معماری اسطوره‌ای و تصور افراد از مفهوم آبادانی، در حیطه موضوعی این رویکرد هستند. این رویکرد با نگاه خاص خود، برای شناخت، از همه منابع تاریخی مرتبط بهره می‌گیرد؛ با این حال، برخی از منابع چون؛ ادب منظوم عامیانه، قصه‌های عوام، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها، منابع شفاهی و تصویری و اشیای مربوط به معماری، بهتر و بیشتر راه را برای مورخ تاریخ ذهنیت در معماری می‌گشایند. هدف از این مقاله، بررسی مفاهیم اصلی رویکرد تاریخ ذهنیت در معماری و شناخت آداب و روش‌های رایج و موضوعات و مصادیق آن و معرفی موضوعی منابع اصلی رویکرد است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ذهنیت، تاریخ معماری ایران، رویکرد تاریخ‌نگاری، معماری عامه

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهدی سلطانی با عنوان «تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران» به راهنمایی دکتر هادی ندیمی و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در دانشگاه شهید بهشتی تهران است.

** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، اوین - تهران. mahdisoltani.t@gmail.com

*** استاد و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، اوین - تهران. hadinadimi@gmail.com

مقدمه

مطالعات تاریخ معماری مانند دیگر مطالعات تاریخی، در پی شناختی از گذشته هستند. در مسیر شناخت و فهم گذشته انسان و معماری او، چیزهایی وجود داشته که در پیش چشم مورخ قرار دارند؛ این چیزها، گاه از سوی صاحبان قدرت در طول تاریخ به‌عمد در پیش چشم انسان‌ها قرار گرفته، چیزهای دیگری هم بوده که به‌دلیل ماهیت و موقعیت خود، معمولاً در نگاه مورخان، برجسته و پررنگ بوده‌اند. اما این چیزها، تمام گذشته انسان نیستند و برای شناخت کامل‌تر و دقیق‌تر گذشته، نباید محدود به آنها بود. از یک‌سو، تاریخ‌نگاری‌های رسمی و سیاسی معمول، به بخش مهمی از جوامع؛ یعنی مردم عادی، زندگی و رفتارها و ساخته‌های آنها کمتر پرداخته و از سویی دیگر، جنبه‌های مستتر زندگی انسان‌ها چون؛ اندیشه‌ها و باورها و عواطف و خواسته‌ها و ایده‌آل‌های مردم، به‌ندرت موضوع شناخت تاریخی بوده‌اند. تاریخ ذهنیت^۱، رویکردی جدید در تاریخ‌نگاری است که برای جبران چنین کاستی‌هایی در شناخت گذشته و به‌عنوان یکی از شاخه‌های تاریخ فرهنگی^۲ پدید آمد.

پیشگامان تاریخ ذهنیت بر آن بودند که تاریخ‌نامه‌های رسمی موجود، نشانگر همه واقعیت‌های جوامع گذشته نبوده و در واقع، ناقص و ناکافی هستند. آنها علاوه بر این موضوع، بر تأکید تاریخ‌نامه‌ها بر رویدادهای مهم و نقش اشخاص بزرگ و همچنین شکل زبان روایتی آنها نقد داشتند. از نظر تاریخ ذهنیت، بخش مهمی از جوامع انسانی یعنی عامه مردم، در تاریخ‌نامه‌ها نادیده گرفته شده‌اند و افکار، عقاید، احساسات، عواطف، باورها، آفریده‌ها و ساخته‌های آنها در این مکتوبات یا بسیار کم‌رنگ مطرح شده و یا به‌کل مورد توجه نبوده‌اند. حال آن‌که جوامع انسانی، تنها از دستگاه قدرت، خواص و نخبگان و اعیان تشکیل نشده و عامه مردم هم بخش مهمی از آن هستند؛ بر این اساس، برای داشتن فهمی راستین از گذشته، باید آنها را هم شناخت.

آثار معماری، از خانه‌های ساده تا مساجد و کاخ‌های باشکوه، همه از ذهنیتی برخاسته‌اند. عامه مردم، در بخش مهمی از این آثار زندگی می‌کرده‌اند. آنها در خانه‌های خود، پناه و مأمنی داشته، در بازارها کسب‌وکار می‌کرده، در مساجد به عبادت می‌پرداخته و در حمام‌ها و کاروانسراها و بقیه انواع دیگر بناها، بخش‌های دیگر زندگی خود را می‌گذرانده‌اند. مردم عادی نسبت به این آثار، ذهنیتی داشته؛ برخی را می‌پسندیدند و برخی را نه. آثاری بوده که در ذهن مردم به اسطوره یا نماد بدل می‌شدند. عامه، نسبت به آثار معماری،

نظر و احساس داشته و از بعضی آنها خاطره داشتند. برخی از آثار برای آنها خوش‌یمن محسوب می‌شد و برخی نه. در ذهن و در زبان شاکر و دعاگوی پدیدآورندگان، بناهایی بودند که زندگی آنها را آسان کرده بود و ... همچنین بخش مهمی از آثار معماری؛ یعنی خانه‌های مردم عادی، بر اساس ذهنیت، ذوق و سلیقه و اعتقادات مادی و ماورایی آنها، گاه با به‌کار گرفتن معمار و گاه بدون او؛ یعنی با نظرات بانی بنا و با بهره‌مندی از همکاران دیگر معماران، یعنی بناها و دیگر سازندگان آثار، ساخته می‌شدند. امروز، مورخ معماری ایران، به این خانه‌ها و بیشتر آثار عامه مردم دسترسی ندارد؛ چرا که عامه مردم، به منابع مهم ثروت و قدرت متصل نبودند و بنابراین بناها و به‌خصوص خانه‌های آنها، از مصالح و با فناوری ساخته شده بود که طی سال‌ها و قرون متمادی، باقی نمانده و از میان رفتند. با این حال، ذهنیت آن مردم نسبت به معماری، همچنان موضوعی مهم و قابل توجه در مطالعات تاریخ معماری ایران است.

افزون بر این، معماری، تنها اثر معماری نیست. بناها، محصول نهایی روندی بوده که شناخت آن روند، افراد مؤثر در پدید آمدن آن آثار چون؛ معمار و بانی و حامی و همکاران معمار، اهداف مادی و معنوی پدید آوردن آثار و همچنین بازتاب و تأثیر آنها بر مخاطبان، مصالح و فنون ساخت و آموزش معماری و نحوه طراحی و اجرای بناها و موضوعاتی از این دست، همگی موضوع شناخت معماری گذشته هستند. ذهنیت مردم عادی نسبت به فاعلان پدیدآورنده آثار معماری و پیشه آنها، اعتقادات مادی و معنوی مردم و نسبت آنها با اهداف نهایی آثار معماری، تأثیری که آثار اعم از آثار عوام و خواص بر ذهنیت مردم باقی می‌گذاشت، توجه خواص و اعیان به ذوق و سلیقه و احساسات و اعتقادات مردمی که آثاری را برای آنها تدارک می‌دیدند و ...، در حیطه موضوعی تاریخ ذهنیت معماری ایران هستند که تا کنون تا حدود زیادی پوشیده بوده‌اند. به این ترتیب، تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران راهی را می‌گشاید که با پیمودن آن می‌توان شناختی از بخش‌های مهمی از تاریخ معماری ایران که تا کنون تا حد زیادی ناشناخته بوده‌اند را حاصل کرد. این مقاله می‌کوشد تا وجوه مختلف نظری رویکرد را تا حد امکان تشریح نماید. بر این اساس، ابتدا رویکرد تاریخ‌نگاری تاریخ ذهنیت به‌اجمال معرفی شده است و سپس مفاهیم، روش‌ها، موضوعات و مصادیق و منابع تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران بررسی شده‌اند.

تاریخ ذهنیت در دهه‌های اخیر به واسطه ترجمه برخی از آثار آن از فرانسه و انگلیسی به فارسی، در میان اهل تاریخ شناخته شده است. این رویکرد تاریخ‌نگاری در خارج از مرزهای ایران، برای مطالعه موضوعات متنوعی به کار رفته؛ با این حال، به ندرت برای مطالعه تاریخ معماری از آن استفاده شده است. مونیک الب^۳ فرانسوی به همراه آنه دبار بلانشارد^۴ (۱۹۹۹) در کتاب "معماری خصوصی، ذهنیت و خانه"^۵ با رویکرد تاریخ ذهنیت، به بررسی خانه‌های قرون هفده، هجده و نوزده فرانسه پرداخته‌اند. آنها همچنین مقالاتی در این زمینه نوشته‌اند. در ایران، مهرداد قیومی بیدهندی و امید شمس (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران"، امکان استفاده از این رویکرد برای مطالعه معماری ایران را بررسی کرده^۶ و زینب تمسکی و زهرا اهری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نام "از ذهنیت عامه تا تظاهر کالبدی: امام‌زاده سید اسماعیل، تهران قاجاری و رفع تعارضات اجتماعی"، با بهره‌مندی از این رویکرد، به مطالعه پدیده بست‌نشینی در آثاری از معماری دوره قاجاری پرداخته‌اند.^۷ همچنین، نازنین شهیدی (منتشر نشده) در پایان‌نامه خود با عنوان "درآمدی بر تاریخ فرهنگی معماری ایران"، در خلال پیشنهاد تاریخ فرهنگی معماری ایران، به تاریخ ذهنیت اشاره کرده است.^۸

روش پژوهش

مطالعه تاریخ ذهنیت به‌طور کلی و نه فقط درباره معماری، منابع فارسی اندکی دارد. بنابراین مقاله پیش رو با بهره‌مندی از روش تحقیق استدلال منطقی و مراجعه به منابع انگلیسی و فرانسوی موجود و سپس، تدوین این رویکرد بر مبنای معماری ایران، در پی تعریف مفاهیم و موضوعات و جستجوی امکانات و منابع رویکرد برای گسترش زمینه‌های جدید در شیوه نگریستن به تاریخ معماری ایران است.

تاریخ ذهنیت عامه^۹ در معماری ایران

فهم معانی رفتارها، اعمال و افکار انسان‌های گذشته و همچنین مصنوعات آنها و معماری چون بستر زندگی افراد، با این پیش‌فرض که آنها هم پدیده‌های گوناگون را همانند ما درک می‌کرده‌اند، آسان می‌نماید. بر اساس چنین پیش‌فرضی، ذهنیت انسان در طول تاریخ همواره ثابت بوده است و بنابراین می‌توان معماری را چون یکی از جلوه‌های برخاسته از این ذهنیت، با نگرش امروزی شناخت و معانی آن را دریافت. رجوع به گذشته و مطالعه آنچه از گذشتگان به میراث مانده است، نادرستی چنین پیش‌فرضی را آشکار می‌کند؛ مردم

گذشته ذهنیات متفاوتی داشتند، آنها در چارچوب ذهنی و بر اساس طبقه‌بندی‌های ذهنی زمان خود می‌اندیشیده و به بیان منحصر به خود زندگی می‌کرده و فضاهای این زندگی را پدید می‌آوردند. بنابراین، فهم کامل و صحیح گذشته، مستلزم فهم تاریخ ذهنیت انسان بوده و شناخت تاریخ ذهنیت او، برای یافتن معرفت نسبت به معماری گذشته، مهم و ارزشمند است. تاریخ ذهنیت معماری ایران برای شناخت معماری در معنای گسترده، بخشی از زمینه پدیدآورنده آن؛ یعنی ذهنیت انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. معماری چون دیگر افعال انسانی، از ذهنیتی ناشی شده است. علاوه بر این، مردم در تعامل با معماری، نسبت به وجوه مختلف آن، تصورات، نگرش‌ها، ذهنیات و احساسات گوناگونی داشته‌اند. ذهنیت عامه مردم نسبت به پدیدارهای گوناگون مرتبط با معماری عوام و خواص، مفاهیم برآمده از ذهنیات، سیر تغییر و تحول این ذهنیات و مفاهیم منتج از آن و مباحثی از این دست، موضوع تاریخ ذهنیت هستند.

تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، با لایه‌های پنهان جامعه و جنبه‌های پنهان ذهنیت معماریانه آن لایه‌ها سروکار داشته است و مناطق ناشناخته ذهنیت مردم عادی نسبت به معماری را در گذشته جستجو می‌کند. این رویکرد به‌جای ساخته‌های اعیان و نخبگان، به پندارهای عامیانه نسبت به معماری در معنای وسیع کلمه توجه می‌کند و بر تصورات، فرض‌ها، برداشت‌ها، آرمان‌ها، علایق و سلیق مردم عادی در معماری متمرکز است. البته در این میان، باید توجه داشت که ذهنیت معماریانه عامه همواره با ذهنیت خواص، مغایر و متفاوت نبوده است؛ اما معمولاً توجه و اعتنای تاریخ ذهنیت معماری، به جنبه عمومی ذهنیت است و از موضوعات فردی، افراد شاخص و برجسته و افکار و اندیشه‌های آنها نسبت به معماری فاصله می‌گیرد. در واقع تاریخ ذهنیت معماری، به محتوای غیرشخصی ذهنیت علاقه‌مند است و به ایده‌ها و آفریده‌های اذهان نخبه فردی توجه چندانی نمی‌کند.

تاریخ معماری ایران، نهفته‌ها و نگفته‌های بسیاری دارد. بخش اعظم آثار معماری، با گذشت زمان از میان رفته‌اند، بسیاری از آثار باقی‌مانده هم که معمولاً توسط خواص جامعه بنا شده، دیگر در سیاق اصلی زمان خود قرار ندارند؛ کاربری بعضی از آثار تغییر یافته است و زندگی درون آنها، دیگر زندگی راستین زمان خود آنها نیست. مطالعات تاریخ معماری موجود، جز این که معمولاً معماری خواص را پررنگ‌تر جلوه داده است، بیشتر به خود آثار باقی‌مانده پرداخته و کمتر از ذهنیت پشت شکل‌گیری آثار و همچنین بازتاب آنها در اندیشه و پسند عمومی زمان خود آنها سخن گفته است.

تاریخ ذهنیت معماری ایران باید، با مطالعه و ملاحظه تصورات و نگرش‌های مردم نسبت به معماری، خاطرات جمعی آنها از مکان‌ها و فضاهای زندگی و برگزاری آیین‌ها، ذهنیت آنها نسبت به آداب و رسوم اجتماعی مرتبط با فضاهای مختلف، اعتقادات دینی و مذهبی مؤثر در معماری و نحوه زندگی در فضاها، ترکیب‌های زبانی و امثال و حکم رایج در زبان روزمره مردم در ارتباط با معماری، خرافات و اعتقادات ماورایی دیگر و مانند آن، که بیانگر ابعاد و وجوه مختلف جهان ذهنی مردم در معماری آنها هستند، ساختارهای عمیق ذهنیت معماریانه مردم عادی را در طول تاریخ بکاود.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان سه ویژگی نظری مهم برای تاریخ ذهنیت معماری ایران مطرح کرد؛ اول آن‌که این رویکرد، به اندیشه‌ها، تصورات و نگرش‌های روزمره و معمول و کاربردی توجه بیشتری دارد تا اندیشه‌های رسمی و نظریه‌های پیچیده فلسفی و مانند آن. دومین مسئله این‌که هدف جستجوی این رویکرد، بیشتر نگرش‌های جمعی به معماری است و نه نگرش‌های فردی؛ همچنین، اندیشه‌ها و احساسات مردم عادی حداقل به اندازه نخبگان و اعیان و معمولاً بیشتر از آنها اهمیت و اولویت دارد. علاوه بر این دو، باید دقت کرد که تاریخ ذهنیت، هم به ساختارهای ذهنیت می‌پردازد و هم به محتوای ذهن‌ها. به عبارت دیگر، تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، هم با طبقه‌بندی‌ها و چارچوب‌های ذهنیت مردم عادی سروکار دارد و هم با استعاره‌ها، نشانه‌ها، عبارات کلامی، ساخته‌ها و بیان‌های دیگر ذهنیت؛ هم با این موضوع که مردم چگونه می‌اندیشند و هم این‌که به چه چیزهایی می‌اندیشند.

روش‌ها، موضوعات اصلی و منابع تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران

روش‌ها

تاریخ معماری، همانند دیگر انواع تاریخ، در پی شناخت و تبیین گذشته بوده؛ اما از دیگر انواع تاریخ، به لحاظ ماهیت شواهد تاریخی و روش‌های سنجش و تفسیر این شواهد متمایز است. سرآغاز تحقیق در تاریخ، با جمع‌آوری شواهد تاریخی همراه است؛ اما شواهد خام به تنهایی معنایی را از گذشته آشکار نمی‌کنند. مورخ باید آنها را انتخاب، طبقه‌بندی، سنجش و تفسیر کند تا به مقصودی سودمند نائل آید. درباره تفاسیر تاریخی از معماری، می‌توان از شیوه‌ها و نحله‌های گوناگون سخن گفت؛ عده‌ای از مورخان تلاش می‌کنند تا با گردآوری اطلاعات گوناگون از شرایط و اوضاع اجتماعی و اخلاقی و فلسفی یک دوره تاریخی، به معنای معماری آن

دوران پی برده، برخی با بررسی شرایط اقتصادی و مصالح ساختمانی معمول و فنون ساختمانی رایج یک دوره، آثار معماری آن را تحلیل و تفسیر کرده و پژوهشگرانی هم برای بررسی معماری هر دوره، روح مشترک حاکم بر آن را شناخته و مسیر تحقیق خود را از شناخت روح زمانه آغاز می‌کنند (خوئی، ۱۳۸۵: ۲۵ و ۲۶).

مورخان ذهنیت در معماری هم باید مانند دیگر مورخان، در آغاز کار خود به سراغ شواهد و مدارکی رفته که از گذشته باقی مانده‌اند. در این حوزه، کمتر شواهدی وجود دارد که به شکلی مستقیم، ذهنیت معماریانه یک دوره را بیان نماید. بر این اساس، همه اسناد و مدارک تاریخی مرتبط باید توسط مورخ، طبقه‌بندی و سنجش و تفسیر شوند. او به شیوه‌ای متفاوت از برخی از مورخان معماری، در پی بررسی ایدئولوژی‌های رسمی و کلان و سیاست‌های حکومتی مؤثر بر شکل‌گیری بناها و همچنین تحمیل قالب‌هایی چون شرایط اخلاقی و یا فلسفی جوامع بر معماری نیست؛ بلکه به سراغ جلوه‌های غیررسمی فرهنگ در میان مردم عادی می‌رود و از طریق بررسی اسناد و شواهد، در پی دریافت شیوه اندیشیدن و احساس کردن مردم و محتوای اندیشه‌ها و احساسات آنها است. بر این اساس، مورخ ذهنیت، اسنادی را می‌یابد که جلوه‌های بیشتری از رفتارها و زندگی روزمره مردم و چگونگی نگرش آنها نسبت به مکان زندگی خود را روشن کند. بررسی نحوه پدید آمدن، رشد و گسترش و تغییر و تحولات نگرش‌ها، تصورات و ذهنیات نسبت به معماری، بیشتر از طریق تحلیل و شناخت سیاق پیدایش آنها، موانع و منابع رشد و گسترش و بقا و رواج آنها در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف صورت می‌پذیرد.

مورخ این رویکرد پس از رجوع به منابع خود و تحلیل و تفسیر آنها و آشکار کردن محتوا و چارچوب‌های ذهنیت مردم نسبت به معماری و معرفی ابعاد و وجوه مختلف آن ذهنیت، باید میزان عمومی بودن و رواج آن در جامعه و شیوه ارتباط و تعامل ذهنیت موضوع مطالعه و دیگر ذهنیت‌های رایج و غالب را آشکار کند. همچنین، او باید روشن کند که این ذهنیت در چه نقاطی متحمل تغییرات شده و چگونه و به چه علت و طی چه روندی، محو و یا جایگزین رویکردی دیگر شده است. تاریخ ذهنیت معماری در مطالعه موضوعات مورد علاقه خود، می‌تواند از روش‌ها و شیوه‌های مختلف رایج در تاریخ‌نگاری و دیگر روش‌های معمول در رشته‌های علوم انسانی مرتبط با تاریخ معماری چون؛ ادبیات، باستان‌شناسی، تاریخ ادیان، روان‌شناسی و مانند آن بهره ببرد.

مورخ تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، چون دیگر مورخان، باید صلاحیت داشته و آدابی را رعایت کند. بخش

خود، نگاه مردم به معماری اسطوره‌ای، افسانه‌ای و نمادین، رویکرد مردم نسبت به معمار و دیگر فاعلان و بنیان آثار معماری و پیشه آنها، ذهنیت عمومی نسبت به جایگاه زنان و کودکان در معماری، نسبت معماری و فضاهای شهری و برگزاری آیین‌ها و آداب و رسوم در آن فضاها در اندیشه و خاطرات مردم، خرافات و دیگر باورهای ماورایی مؤثر در معماری، نگاه مردم عادی نسبت به ساختن و تعمیر آثار معماری و آبادانی که در این مقاله، مصادیقی از برخی از آنها به صورت مختصر بررسی می‌شوند.

تصور و نگرش مردم نسبت به آثار معماری خواص

آثار معماری که اعیان و رجال حکومتی برپا می‌کردند را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد؛ آثاری که برای استفاده شخصی آنها برپا شده و آثاری که برای بهره‌مندی همگان ساخته می‌شدند. همان‌طور که اشاره شد، ذهنیت عوام و خواص به‌طور کلی از هم جدا نبوده است و گاهی این دو بخش جامعه، سلیقه و ذوق و ایده‌آل‌های مشترکی داشتند؛ با این تفاوت مهم که خواص جامعه با دسترسی به منابع ثروت و قدرت، می‌توانستند شیوه‌ای متمایز از این سلیقه را در عالم مادی پدید آورند. بر این اساس، گاه معماری خواص، منبع الهام عامه مردم بود و بر ذهنیت ایشان تأثیر می‌گذاشت؛ برای مثال، هاینریش بروگش خاورشناس آلمانی که دو بار در دوره قاجاریه به ایران سفر کرده است، در بازدید از تهران می‌نویسد: «شاه و تعدادی از رجال با ساختن عمارت‌ها و باغ‌های جدید، پیشگام سایر شهروندان شدند و تا آنجا که آب و هوا و آداب و رسوم اجازه می‌داد، از شیوه معماری اروپایی استفاده کردند. امروزه ساختمان‌های قشنگ و زیبایی که تعدادی از آنها در دو طبقه و دارای بام سفالی یا شیروانی است، در گوشه و کنار شهر دیده می‌شوند، اما بیشتر این عمارت‌ها را در وسط باغ‌های بزرگ و باصفایی که با معیارهای اروپا نیز از هر حیث کامل و زیبا بوده، احداث کرده‌اند» (۱۳۶۷: ۸۲).

همچنین، اعیان و بزرگان کشور، برای کسب اعتبار اجتماعی و شهرت نیک و دعای خیر مردم عادی، آثاری برای ایشان می‌ساختند. در آثاری که برای مردم عادی ساخته می‌شد، توجه به ذهنیت و سلاقی مردم اهمیت می‌یافت؛ برای مثال، شاه عباس اول در فرمانی سلطنتی در شعبان ۱۰۲۳ ق.، برای ساخت کلیسایی در جلفای نو در جنوب زاینده‌رود دستور داد که در زمینی که خود اهدا کرده، کلیسایی بسازند. همچنین، امر کرد که سنگ‌های مقدس باقی‌مانده از کلیسایی ویران در نزدیکی ایروان را برای بنای این کلیسا به اصفهان بیاورند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۷). به این ترتیب، شاه عباس با توجه به

اصلی منابع او، متونی است که از گذشته باقی مانده‌اند. متونی که در دوره تاریخی مورد مطالعه نگاشته شده، بخشی از همان عالم ذهنی هستند که معماری آن دوره در آن شکل یافته است. مورخ این رویکرد، باید در فضای فرهنگ عامیانه ایرانی تنفس کند و نسبت به موضوعات مرتبط با ذهنیت معماریانه مردم عادی، کنجکاو و حساس باشد. می‌دانیم که یکی از مخاطرات تاریخ‌نگاری، فرض اصالت پیشرفت و عقب‌مانده فرض کردن ذهنیات گذشته و برتر دانستن ذهنیت انسان امروزی است که از آفات جدی این رویکرد محسوب شده و مورخ را به‌طور کلی از اهداف آن دور می‌نماید. علاوه بر این، با توجه به ماهیت انتقادی رویکرد تاریخ ذهنیت، باید از نگاه تحسین‌آمیز نسبت به تصورات و اندیشه‌ها و احساسات گذشته پرهیز کرد و در پی فهمی راستین از آنها بود. شناخت ذهنیت رایج در عالم گذشتگان، کاری دشوار است؛ بنابراین، نباید در پی تسلط بر متون ظاهرکننده آن بود، بلکه باید در محضر آن قرار یافته و با آن انس گرفت. بسیاری از نکته‌های سودمند متون، زمانی آشکار می‌شوند که پیش‌فرض‌ها و همچنین بدیهیات خود را به حداقل رسانده و با کنجکاوی کودکان به سراغ متون برویم. این امر در تاریخ ذهنیت، بیش از دیگر شیوه‌های تاریخ‌نگاری اهمیت دارد. نگاه کردن با پیش‌فرض‌های ذهنی انسان امروزی به گذشته، همان آفتی است که تاریخ ذهنیت به انتقاد جدی از آن پرداخت. در این شیوه، باید در پی متونی بود که عامدانه در پی روایت ذهنیت مردم نبوده‌اند؛ متونی که نویسنده آنها مطلب مرتبطی را غیرعمدی بیان می‌کند، نزد مورخ این رویکرد، اعتبار و ارزش بیشتری دارند. برای فهم چنین مطالبی، مورخ باید خود را مخاطب متن قرار دهد. باید توجه کرد با وجود آن که تاریخ ذهنیت در نقد دیگر رویکردهای تاریخ‌نگاری شکل گرفت و رونق یافت، مورخ نباید برای اثبات سخن خود، در پی انکار و تخطئه دیگر رویکردها باشد. همچنین، او باید از انکار آنچه نمی‌فهمد یا با قالب ذهنی امروزی تطابق ندارد، پرهیز کند.

موضوعات و مصادیق

از طریق رویکرد تاریخ ذهنیت، می‌توان نسبت به گستره وسیعی از موضوعات معرفت یافت و بسیاری از جنبه‌های ناشناخته ذهنیت معماریانه مردم ایران را فهمید. با این حال، برخی از موضوعات به فراخور ماهیت و تعاریف و ویژگی‌های این رویکرد، مهم‌تر و برجسته‌تر هستند. این موضوعات اصلی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ تصور و نگرش مردم نسبت به آثار معماری خواص، ذهنیت مردم از معماری خصوصی، تلقی، تصور و احساس مردم نسبت به بناهای زندگی روزمره

ذهنیت عمومی ارمنیان کوچ داده شده به جلفای نو، تلاش کرده است تا با انتقال سنگ‌هایی که در تصور آنها مقدس شمرده می‌شده، مقبولیت و محبوبیت بیشتری برای کلیسای خود فراهم آورد. علاوه بر این، بخشی از عامه مردم چون غلامان و نوکران، در خانه‌های خواص می‌زیسته و فضاهای مختص خود را تا حد اختیار و بر اساس ذوق و سلیقه خود تغییر می‌دادند. همچنین، گاه بخشی از آثار و حتی خانه‌های اعیان و بزرگان در حکم بست، برای بست‌نشینی^{۱۰} و پناه آوردن افرادی از عامه مردم که خلاfi مرتکب شده بودند، به کار می‌رفت و در ذهن ایشان، نقش پایگاهی اجتماعی داشت.

ذهنیت مردم از معماری خصوصی

مردم عادی در ساختن فضاهای خصوصی زندگی خود، از آزادی و استقلال بیشتری برخوردار بوده‌اند. خانه‌ها، به خصوص پیش از تأسیس نهادهایی چون بلدیة، مهم‌ترین محل تجلی آزادی عمل، اندیشه‌ها، ذوق و سلیقه مردم عادی بوده‌اند. مورخ تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، می‌تواند موضوعات متعددی را تحت مجموعه ذهنیت مردم نسبت به معماری خصوصی مطالعه کند. ذهنیت عمومی مردم نسبت به خانه و مفهوم آن، یکی از این موضوعات است؛ برای مثال، هوگو گروه می‌نویسد:

«معمار ایرانی، نظر به این که همه چیز این دنیا فانی است، با وجود ذوق و سلیقه قابل تحسینی که در تزئینات و ریزه‌کاری‌ها به کار می‌برد و علی‌رغم وسعت و بزرگی عمارت‌ها، اهمیت چندانی به استحکام بنا و استفاده از مصالح مرغوب نمی‌دهد. اعیان و مالکین هم به جای آن که با تعمیرات جزئی، از خراب شدن قصر یا عمارتی که از پدر یا برادر خود به ارث برده یا حتی خود آنها ده سال پیش ساخته جلوگیری کنند، ترجیح داده بنای تازه‌ای بسازند که معرف نام خودشان باشد» (۱۳۶۹: ۵۳).
همچنین، ارتباط ذهنیت و اعتقادات مردم و شیوه زندگی آنها در خانه‌ها، از موضوعات مهم دیگر است. شیرین مهدوی که به مطالعه زندگی روزمره یک خانواده در اواخر دوره قاجار پرداخته است، می‌نویسد:

«معماری داخلی خانه‌های ایران در دوره قاجاریه، متأثر از جایگاه زن در جامعه بود که از اسلام شیعی، مذهب رسمی کشور منتج می‌شد. از آنجایی که زنان باید به دور و جدا از مردان به سر می‌برده، خانه‌های کسانی که از استطاعت مالی برخوردار بودند باید به دو بخش تقسیم می‌شد؛ یک اندرونی برای زنان و مردان محرم و دیگری، بیرونی برای مردان. این شکل از جدایی، در محل سکونت افراد فقیری که شاید تنها شامل یک اتاق بود هم وجود داشت و در آنجا

این جدایی، از طریق یک پرده یا هر وسیله حائل دیگری انجام می‌گرفت. عمدتاً نقشه هر دو این خانه‌ها به جز در مورد فقرا یکسان بود، بسیاری از خانواده‌ها در مکانی سکنی می‌گزیدند که خانواده ثروتمندی هم اقامت داشته باشد» (Mahdavi, 2012: 357).

تعریف حریم‌ها در معماری خانه و نحوه چیدمان فضاها و عناصر آنها برای مقصود ذهنی مردم، از دیگر موضوعات مهم تاریخ ذهنیت در معماری خصوصی است. عامه مردم بر اساس اعتقادات دینی و عرف رایج، محل زندگی خود را چنان می‌ساختند و می‌آراستند که حریم‌های مهم رعایت شده و اختلالی در فضای زندگی آنها پدید نیاید. جعفر شهری درباره خانه‌هایی در تهران قدیم چنین می‌نویسد:

«زن و مرد در مهمانی‌ها نباید مخلوط هم باشند و زن‌ها در اطاق و مکان سوا و مردها باید جای جداگانه داشته باشند و همچنین بود سفره زن‌ها که باید از سفره مردها جدا و محل خواب‌شان سوا از هم بوده باشد. [...] در امور ضروری ارباب و رعیتی و نوکر خانمی و این‌گونه مسائل و کارهای اختلاف و واسطگی که مردی بخواهد واسطه صلح میان زن و شوهری باشد، باید مرد در اطاق دیگر و زن در اطاق دیگر و از پشت در بسته و پرده‌ای آویخته و حفاظ و ستار حرف بزنند. زن نمی‌توانست در اماکن عمومی مانند چلوبی و آبگوشی و پزندگی و آب‌بندی و مثل آن حضور به هم رساند؛ اگر چه از گرسنگی مشرف به موت بوده باشد و نیز نمی‌توانست در آبریزها و لولئینخانه‌های عمومی ورود کند، هر چند اختیار ضبط از دستش بدر رفته باشد. در جشن‌ها و سرورها که مطرب و مثل آن دخالت کند، مردها باید در حیاط و زن‌ها در اطاق‌های در بسته‌ای پرده کشیده بوده فقط از راه گوش فیض حضور داشته باشند، چنانچه در عزاخانه‌ها مانند روضه‌ها و تعزیه‌ها باید پشت تجیرها و پرده زنبوری‌ها و کاملاً دور از نظر گیر بمانند. همچنین در این خصوص تا به هیچ صورت زنان با مرد بیگانه برخورد پیدا نکنند، خانه‌هایشان هر چند کوچک و محقر، آن را به صورت بیرونی و اندرونی و مجزا از هم می‌ساختند» (۱۳۷۶: ۶۲ و ۶۳).

نگرش مردم نسبت به اسباب و اثاثیه فضاهای مسکونی خود، از دیگر زمینه‌های مورد علاقه رویکرد تاریخ ذهنیت در معماری خصوصی است. ذوق و سلیقه رایج زمانه، بسته به توان مالی و سطح اجتماعی مردم، در اسباب و اثاثیه خانه آنها جلوه‌گر می‌شد. جرج ناتانیل کرزن انگلیسی که در دوران قاجار به ایران سفر کرده، در این باره چنین نوشته است: «یکی دیگر از سلیقه‌های خیلی شایع ولی غیرقابل درک ایرانی که به صورت بارزی هویدا بوده و با خرج کم قابل حصول

تلقی، تصور و احساس مردم نسبت به بناهای زندگی روزمره خود زندگی روزانه مردم، محدود به خانه‌های آنها نبود، آنها در بازارها و کارگاه‌ها کار می‌کردند، در حمام‌ها نظافت شخصی خود را انجام می‌داده و در سفرهای خود، در کاروانسراها سکنی می‌گرفتند. در باغ‌ها تفرج می‌کرده و بناهایی مثل آسیاب‌ها، برایشان معانی خاصی داشته‌اند. آنها نسبت به معماری این فضاها هم، نظر و احساس داشتند که می‌توان از متون تاریخی به‌جای مانده، به این ذهنیات پی برد؛ برای مثال، رجوع به متون به‌جای مانده از سده‌های میانه تاریخ ایران، خبر از این می‌دهد که حمام‌ها در ذهنیت مردم آن روزگار، کارکردهای اجتماعی مختلف داشته‌اند. این فضاها، محل اطلاعات‌رسانی عمومی و محل ملاقات‌های عمومی و مذاکرات خصوصی بوده‌اند. حمام‌ها علاوه بر این، در ذهنیت مردم آن روزگار، کارکردهای درمانی داشته و گاهی در نقش پناهگاهی برای گریختگان از حوادث مختلف اجتماعی و یا حتی سیاسی خودنمایی کرده که منابع تاریخی بدان اشاره دارند (شعبانی و جباری، ۱۳۹۳). همچنین، این آثار معماری، کارکردهای علمی و فرهنگی مختلفی هم داشته‌اند؛ برای مثال، در نوشته‌ای از ابن خلدون می‌خوانیم:

«گفته‌اند بهترین اوقات برای سرودن شعر، سحرگاهان در هوای حمام است. [...] آن که به گرمابه می‌روند، حرارت و هوا به روح آنان بیوندد و در نتیجه، روح آنان گرمی پذیرد شادی و فرح به آنان روی می‌دهد چه بسا که در بسیاری از این گونه کس آن که از شدت شادی حالت وجد و سرودخوانی پدید می‌آید» (۱۳۶۳: ۱۳۷۸).

همچنین، متون ادبی و تاریخی به‌جای مانده آشکار می‌سازند که گذشتگان ما علاوه بر این که از کارکردهای ارزشمند بناهای کاروانسرا بهره‌مند می‌شده و برای بانیان و حامیان آن آثار دعای خیر می‌کردند، این بنا در نگاه و تصور آنها، مصداق گذرایی و موقتی بودن دنیا شده است. پیشینیان ما، دنیا را چون کاروانسرای می‌دیدند که اقامت در آن، موقتی است و نباید مسحور زیبایی‌های ظاهری آن شد. نظامی گنجوی در اقبال‌نامه درباره این نگاه چنین سروده است:

رباطی^{۱۱} دو در دارد این دیر خاک

دری در گریوه دری در مفاک

نیامد کسی زان در اینجا فراز

کز این در برونش نکردند باز

(۱۳۷۶: ۲۴)

است در بازارها دیده می‌شود و آن، علاقه فراوانی است که گویا در میان همه طبقات، از شاه تا افراد پایین نسبت به بلور بارفتن، شمع‌دان جار، چراغ و ظروف چینی یا زیورآلات از هر قبیل هست. به خانه هر شاهزاده یا افرادی از طبقه اعیان که وارد شدم، قفسه‌ای پر از این اجناس دیدم و بر حسب معمول، اشیای گرانبها را روی میزی کنار هم می‌گذارند و به گمان من بدون تردید و شبهه، هر ایرانی، قصر بلور لندن را عالی‌ترین پدیده سراسر جهان محسوب می‌دارد» (۱۳۶۲: ۴۳۷).

اعتقادات مذهبی، ماورایی و خرافی مردم عادی نسبت به معماری را بیش از هر اثر معماری، می‌توان در خانه‌های مردم عادی جستجو کرد. مردم عادی در انتخاب محل بنای خانه گرفته تا ساختار معماری آن و چیدمان فضاها، تحت تأثیر این باورها قرار داشته و عمل می‌کرده‌اند. یاکوب ادوارد پولاک می‌نویسد:

«به آنچه گفته شد، عقیده خرافی به علائم بدشگون را نیز باید اضافه کرد که نه تنها در مورد منازل، بلکه در مورد آبادی‌ها، اسب‌ها و زنان نیز مصداق پیدا می‌کند. ایرانی‌ها به این چیزها «بدقدم» می‌گویند. اگر در خانه‌ای مصیبتی ناگهانی رخ دهد، تقریباً هیچ‌کس پیدا نمی‌شود که ولو به قیمت مفت در آن سکنی بگیرد، و بدین ترتیب خانه‌ای که به حال خود رها شده، به سرعت دستخوش ویرانی می‌شود. از آن گذشته، بسیاری از خانه‌ها به تمام دلایل ممکن و متصور، از طرف دولت ضبط می‌شوند؛ هیچ‌کس طالب آنها نیست و مردم، آن را غصبی می‌شمارند و بدین جهت، گزاردن نماز در آنها مجاز نیست. از آن گذشته، در مذهب اسلام کمتر به حفظ و نگاهداری بناهای قدیم عنایت شده است. به همین علت، من در تخت جمشید با نقوش برجسته انسانی مصادف شدم که همه را یا مثله کرده بوده و یا حداقل چشم‌هایشان را درآورده بودند؛ زیرا چنین پنداشته بودند که اینها نمایانگر بت‌ها یا بت‌پرست‌ها هستند. به دلیل آنچه گفته شد، نباید دیگر موجب شگفتی شود که با وجود بناهای جدیدی که علی‌الدوام و بدون وقفه ایجاد می‌شوند، خانه‌هایی که قابل سکونت باشند، اندک است» (۱۳۶۸: ۴۸).

البته تاریخ ذهنیت عامه در معماری خصوصی، محدود به موضوعات بالا نیست، مسائلی چون؛ ذهنیت مردم نسبت به هم‌جواری‌ها و همسایگی‌های خانه، ذهنیت آنها نسبت به خانه خوب و ویژگی‌های آن، باورهای عمومی نسبت به پاکی و نظافت در خانه‌ها، نگرش عامه به جایگاه زنان و کودکان و سالمندان در فضاهای خانه و نگاه مردم به تعمیر و بازسازی خانه‌ها و مانند آنها، در رویکرد تاریخ ذهنیت معماریانه به‌طور جدی مطالعه می‌شوند.

نگاه مردم به معماری اسطوره‌ای، افسانه‌ای و نمادین

بعضی از آثار معماری در نگاه مردم عادی، جنبه‌ای اسطوره‌ای و افسانه‌ای داشتند. برخی از بناها هم به‌مرور زمان، برای مردم به نماد بدل می‌شده و در ذهن آنها مهم و خاص بودند. آنها بعضی از آثار را به اشخاصی اسطوره‌ای چون؛ سلیمان نبی و جمشید پادشاه و یا به افرادی محبوب چون انوشیروان نسبت می‌دادند. نگرش مردم به چنین آثاری، از موضوعات هدف در رویکرد تاریخ ذهنیت معماری است. این دیدگاه‌ها، در متون مختلف و به‌ویژه در داستان‌های عامیانه تجلی یافته‌اند. در بخشی از داستان عامیانه شمس و طغرا، زمانی که قهرمانان داستان به دیدن تخت جمشید و مقبره‌ای که امروز به‌عنوان آرامگاه کوروش شناخته شده است رفته‌اند، چنین می‌خوانیم: «آنچه که به عقل می‌رسد این است که چون این مملکت، محل پادشاهی جمشید بوده و او را جم گویند و نیز حضرت سلیمان را جم لقب داده‌اند چنان‌که در اشعار دیده‌اید که می‌گویند نگین جم و خاتم جم، از آن پس که عرب فارس را فتح کرد، عجمان محض آن‌که این بقعه که از آن زنی بوده از سلاطین بزرگ آنها و به مقام و منزلت او معتقد بوده‌اند، از تناول اعراب و خرابی محفوظ ماند، به آنها گفته‌اند که این قبر مادر جم است و جم را از بهر آنها به سلیمان تغییر داده‌اند و اندک اندک در نزد اعراب ساکنین فارس، به مشهد ام‌النبی اشتهار یافته و محل توجه و احترام عوام گشته است» (خسروی، ۱۳۷۴: ۲۸۷).

رویکرد مردم نسبت به معمار و دیگر فاعلان و بانیان آثار معماری و پیشه آنها

مردم عادی نسبت به فاعلان معماری چون؛ معمار، بنایان، نقاشان و ... نظرات مختلفی داشته‌اند. این نظرات که با مرور زمان تغییر و تحول یافته، موضوعی مهم در تاریخ ذهنیت معماریانه هستند. همچنین، ذهنیت مردم نسبت به پیشه معماری، از دیگر موضوعات قابل توجه این رویکرد است. سید محمدعلی جمال‌زاده در "راه آب نامه" درباره جایگاه معماران از فرنگ برگشته در ذهن مردم و پیشه معماری، چنین آورده است:

«... گفت لابد می‌خواسته استادی خود را در شمار درآورد. این معمارهای تازه به دوران رسیده از استادی چیزی که بلد شده‌اند، تقلید از تخت جمشید و ایوان کسری است. حالا دیگر به‌جای رستم در حمام هم ستون سرگاو و سرباز نیزه به دست عهد داریوش را می‌کشند، گفتم خدا را شکر می‌کنم که با طنابشان به پناه نیفتادم. حالا آماده‌ام دست توصل به دامن شما بزنم. گفت آی به چشم و راه افتاد. گفتم اسبابی

با خود برنمی‌دارید، گفت اسباب معمار، یک شاقول است که همیشه تو جیبش است و دو لنگ دراز» (۱۳۳۹: ۶۸).

نسبت معماری و فضاهای شهری و برگزاری آیین‌ها و آداب و رسوم در آن فضاها در اندیشه و خاطرات مردم

بخش مهمی از تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، خاطرات جمعی مردمی است که در فضاها و اماکن مختلف، آداب و رسوم و آیین‌های خود چون؛ مراسم گوناگون، جشن‌ها و عزاداری‌های خود را برگزار می‌کردند. نحوه برگزاری مراسم و آیین‌ها، جایگاه اقشار مختلف مردم در آرایش این فضاها و نسبت آنها با ساختار معماری، توسط مورخ تاریخ ذهنیت معماری، مطالعه و بررسی می‌شود. جعفر شهری درباره نحوه برگزاری مراسم و مهمانی‌ها و عروسی‌ها در تهران قدیم، چنین نوشته است:

«تا پیش از رواج میز و صندلی که با دستور میز و صندلی به قهوه‌خانه‌ها و چلویی‌ها صورت گرفت، ترتیب پذیرائی عقدخانه‌ها و کیپ تا کیپ فرش کرده اطراف آن را تشکچه «اگر مهمانی در حیاط بود» عروسی‌خانه‌ها و مهمانی‌های بزرگ چنین بود که حیاط را یا پتو، که از درازا تا شده باشد گسترده، روی آنها را رویه سفید یک دست کشیده، برای هر نفر یک پشته یا مخده یا بالش گذارده، مهمانان را تعارف به روی پتوها می‌کردند و میوه و شیرینی را توی بشقاب‌ها نهاده روی زمین جلوشان قطار می‌کردند. زینت حیاط هم شامل طاق‌نمابندی مثل تکیه‌ها از جار و چلچراغ و گل و گلدان و غیره و قالیچه‌کوبی و پرده‌کوبی و عکس و شمایل و تصویر، و اما روشنایی مجلس؛ شمع‌های نیم‌ذری که در شمعدان‌های مسی ته پهن پایه کوتاه بگذارند تا شمع‌های قدی به قامت و زیاده‌تر آدم و به ضخامت دو پنجه دست که به هم جفت کنند و زیاده‌تر با فتیله‌های به کلفتی انگشت بود که روشن می‌گردید و چلچراغ‌هایی که به زنجیر و طناب بالای حیاط از این پشت‌بام به آن پشت‌بام کشیده شده بود آویزان می‌کردند و چند شاخه چلچراغ‌های پایه‌دار که چهار گوشه حوض و زوایای حیاط می‌گذاشتند و در فاصله آنها پایه‌بلندهای گردسوز و لنتر که روشن می‌کردند» (۱۳۷۶: ۷۴).

نگاه مردم عادی نسبت به ساختن و تعمیر آثار معماری و آبادانی

مردم عادی نسبت به نحوه طراحی و ساختن آثار معماری، ایجاد تغییر در آنها و یا تعمیر و مرمت بناها، اعتقادات و باورهایی داشته‌اند که مطالعه آنها در محدوده رویکرد مورد بررسی است. این ذهنیات، در منابع مختلفی منعکس شده‌اند؛ برای مثال، هوگو گروته در سفرنامه خود درباره ساختن و تعمیر بناها و نظر مردم نسبت به این عمل، چنین نگاشته است:

فاخر و نگرش او به بنای خواص، کمال‌ها و ایده‌آل‌های عمومی نسبت به معماری، شیوه بهتر کردن و اصلاح و تعمیر فضاها، رفتارهای فردی و جمعی در داخل بناها، روش انتخاب و مزیت‌ها و معایب محل ساختن آثار، جایگاه افراد گوناگون در فضاها، شیوه زندگی و تعامل زنان و کودکان با فضاها و مکان‌های گوناگون، تعریف مردم از خوبی، زیبایی، خوش‌یمنی و پاکی فضاهای معماری و... ذهنیت عامه در معماری ایران را شناسایی و بررسی می‌کند.

منابع اصلی تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران

اگر بپذیریم که معماری، ظرف زندگی انسان بوده و شناخت ظرف، به شناخت مظلوف وابسته است، همه پدیده‌های انفسی و آفاقی بالقوه به موضوع تاریخ معماری مرتبط بوده و تمام شواهد به‌جای مانده از گذشته که خبری از ظرف و مظلوف بدهند، منابع مطالعه تاریخ معماری هستند. با این حال، برای پدید آوردن امکان تحقیق در معماری گذشته، می‌توان با بهره‌گیری از دیدگاه تاریخی و همچنین پررنگ کردن سؤال‌های اصلی تحقیق و روشن کردن حوزه‌های تخصصی رویکرد مطالعه، دامنه جستجو و یا منابع را محدود کرد. منابع تاریخ معماری ایران را می‌توان به اعتبار نسبت زمانی بین منبع و پدیده تاریخ، به دو دسته تقسیم کرد؛ منابع درجه اول که با موضوع یا پدیده مورد مطالعه، معاصر بوده و منابع درجه دوم که بعد از دوره مورد بررسی درباره موضوع یا پدیده هدف، نوشته شده‌اند. در این بخش از مقاله، امکانات و برخی ویژگی‌های تعدادی از منابع درجه اول، برای رویکرد تاریخ ذهنیت معماریانه عامه مردم در ایران، به‌طور مختصر بررسی شده‌اند.

بناها

آثار معماری به‌جای مانده از گذشتگان، از مهم‌ترین و معتبرترین اسناد مورخ تاریخ معماری هستند. با این حال، در رویکرد تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، برای بهره‌مندی از این منابع، دشواری‌های جدی وجود دارند؛ اول این که بخش مهمی از آثار باقی‌مانده معماری که حاکی از ذهنیت معماریانه مردم عادی بوده، یعنی آثار معماری عامه، از میان رفته‌اند، دوم آن که اندک آثار باقی‌مانده هم دیگر در سیاق اصلی خود قرار ندارند و یا تغییر کاربری یا تغییرات ساختاری جدی یافته و زندگی درون آنها به‌طور کلی دگرگون شده و دیگر خبر از آداب و رسوم و آیین‌های خصوصی مردم عادی نمی‌دهند. به‌علاوه، مطالعه بناهای باقی‌مانده معماری خواص برای درک ذهنیت مردم عادی نسبت به آنها، تنها از طریق کالبد بنا، دشوار و چه بسا غیرممکن است؛ برای مثال، ذهنیت مردم

«والی پشتکوه نیز مانند بیشتر شاهان و بزرگان ایران، به ساختن قصر علاقه خاصی دارد. معمار ایرانی، نظر به این که همه چیز این دنیا فانی است، با وجود ذوق و سلیقه قابل‌تحسینی که در تزیینات و ریزه‌کاری‌ها به کار می‌برد و علی‌رغم وسعت و بزرگی عمارت‌ها، اهمیت چندانی به استحکام بنا و استفاده از مصالح مرغوب نمی‌دهد. اعیان و مالکین هم به‌جای آن که با تعمیرات جزئی، از خراب شدن قصر یا عمارتی که از پدر یا برادر خود به ارث برده‌اند یا حتی خودشان ده سال پیش ساخته‌اند جلوگیری کنند، ترجیح می‌دهند بنای تازه‌ای بسازند که معرف نام خودشان باشد» (۱۳۶۹: ۵۳).

همچنین، ذهنیات مردم نسبت به غایت و هدف معماری و آبادانی، در بعضی از منابع انعکاس یافته‌اند؛ یکی از نمونه‌های جالب آن، در داستان عامیانه هزار و یک شب آمده است: «... و از جمله حکایت‌ها این است که ملک عادل انوشیروان روزی از روزها بیماری آشکار کرد و چنان بنمود که من بیمارم. آنگاه امنای خود را فرمود که مملکت او را بگردند و از برای او خشتی کهن از دهکده‌ای ویران به‌جهت دارو ساختن بیاورند. گماشتگان ملک، اقطار ولایت بگشتند و به‌سوی ملک بازآمدند و گفتند که در تمامی مملکت، مکانی خراب و خشتی کهن نیافتیم. انوشیروان از این سخن فرحناک شد و شکر خدای تعالی به‌جا آورد و گفت: قصد من این بود که ولایت خود تجربت کنم و مملکت خویشتن به امتحان بیاورم تا بدانم که در آنجا مکانی خراب هست تا آبادش کنم. اکنون که در مملکت، مکانی ویران نمانده، کار مملکت تمام است و احوال مملکتیان در انتظام» (تسوجی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۷۳).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مورخ تاریخ ذهنیت عامه در معماری، باید ذهنیت مردم نسبت به موضوعات مرتبط با فعل معماری، اثر معماری و معمار را آشکار نماید. در این میان، بعضی از موضوعات، با ماهیت رویکرد تاریخ ذهنیت، تطابق و نزدیکی بیشتری داشته و باید در مطالعه آنها برجسته‌تر و درخشان‌تر باشند. مورخ تاریخ ذهنیت معماریانه عامه در ایران، به تصور و نگرش مردم عادی نسبت به بناهایی که در نگاه او اسطوره‌ای و افسانه‌ای هستند، توجه جدی دارد و در مطالعه تاریخی خود، سنت‌ها و رفتارهای نمادین و رمزی مرتبط با فضاها و مکان‌ها را در سیاق اجتماعی آنها می‌کاود. مورخ تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، از طریق تفسیر شواهدی از نحوه تعامل مردم با فضای زندگی خود، شیوه تعریف حریم‌ها و سلسله مراتب‌ها در مکان‌های مختلف، پسندهای جمعی و سلیقه‌های مشترک در ساختن و آراستن بناها، باورهای ماورایی و معنوی و خرافاتی نسبت به آثار، فعل و اندیشه معماری، شیوه ارتباط و بهره‌مندی مردم از معماری

عادی در دوران صفویه نسبت به اصلاحات شهری شاه عباس از طریق آثار شهری و معماری باقی‌مانده، بدون رجوع به منابع مکتوب درجه اول آن دوران، قابل فهم نبوده و یا این که مردم عادی نسبت به نفوذ معماری فرنگی مآب در دوره قاجاریه، چه نظر و احساسی داشته‌اند، صرفاً از طریق تحلیل آثار معماری مربوط، قابل شناسایی نیست. بر این اساس، به نظر می‌رسد تنها بخشی از آثار باقی‌مانده معماری که به‌طریقی به عامه مردم مرتبط بوده، با همراهی و مطالعه متون تاریخی درجه اول، می‌توانند از منابع تاریخ ذهنیت محسوب شوند.

منابع مکتوب

بیشتر انواع منابع مکتوب به‌جای مانده از گذشتگان، به‌طریقی می‌توانند وجوهی از زندگی آنها و در نتیجه معماری را آشکار کنند. با این وجود، تعدادی از این منابع در تاریخ ذهنیت، بر اساس نوع نگاه این رویکرد و موضوعات هدف آن، اولویت و اهمیت بیشتری دارند. حتی منابعی که در ظاهر، از ذهنیت مردم عادی دور بوده، می‌توانند با رویکرد درست مورخ، به منبعی ارزشمند بدل شوند؛ برای مثال، فرمان سلطنتی شاه عباس در مورد کلیسای جلفای نو که پیش‌تر به آن اشاره شد، یک سند رسمی است و نشان می‌دهد که در ذهنیت مردم عادی، کلیسای مقدسی در ایروان وجود داشت و این تقدس، در سنگ‌های آن کلیسا هم باقی بوده است و بنابراین می‌توان با انتقال این سنگ‌ها به شهری دیگر و ساخت بنای جدید با آنها، به تقدس بنای تازه افزود. البته روشن است که یافتن اطلاعاتی درباره ذهنیت مردم عادی از تاریخ‌نامه‌های رسمی، دشوار است؛ با این حال، غیرممکن نیست.

سفرنامه‌ها

ذهنیت، احساسات، تصورات و علایق و ذوق مردم عادی در گذشته، با آن که برای ما موضوع پرسش محققانه بوده، برای خود آنها امری عادی و معمول بوده است؛ بر این اساس، کمتر در منابع مکتوب در این مورد نوشته‌اند و این مسئله، یکی از دشواری‌های تاریخ ذهنیت است. سفرنامه‌ها که طی بازدید سیاحان سرزمین‌های دیگر از ایران نوشته شده، از این نظر، منابعی ارزشمند برای رویکرد تاریخ ذهنیت هستند. سیاحان غربی یا شرقی در بازدید از ایران، با نگاهی متفاوت از ایرانی‌ها به پدیده‌های مختلف چون؛ معماری، آداب و رسوم خصوصی و اجتماعی و به‌طور کلی نحوه زندگی مردم و باورهای آنها نگریسته‌اند. تفاوت ذهنیات آنها با ذهنیات ایرانیان باعث شده که این اختلافات را در سفرنامه‌های خود مکتوب و برجسته کنند. همچنین، سفرنامه‌های ایرانیانی که به سرزمین‌های دیگر سفر کرده و از تفاوت‌ها و شباهت‌های

خلق و خو و خصوصیات و احوال مردمان آنجا و شرایط زندگی آنها سخن گفته هم منابعی ارزشمند هستند. با این حال، در مطالعه سفرنامه‌ها باید احتیاط علمی را در فهم مندرجات آنها در نظر داشت. بعضی از فرنگیان در مراجعه به ایران، با دید تحقیر به ایرانیان نگریسته و یا نظری غرض‌ورزانه داشته‌اند. اطلاعات دریافت‌شده از سفرنامه‌های تاریخی باید در سیاق اجتماعی و فرهنگی آن دوران و با بهره‌مندی از دیگر متون درجه اول باقی‌مانده، سنجیده و بررسی شوند.

داستان‌ها، حکایت‌ها و افسانه‌های عامیانه

در تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، منابعی که به‌صورت غیرعمدی و غیرمستقیم جلوه‌هایی از اندیشه‌ها، تصورات و نگرش‌های مردم عادی را منعکس کرده، معتبرتر و ارزشمندتر هستند. داستان‌های عامیانه، از مهم‌ترین این منابع هستند. در ایران که مورخان سلف آن اعتنایی به شرح و توصیف زندگی عامه مردم نداشته، این داستان‌ها اهمیت بیشتری یافته و به‌صورت منبعی برای کسب اطلاع در باب زندگی اجتماعی مردم و آداب و عادات و رسوم و آرزوها و تصورات و نگرش‌های آنها درمی‌آیند. در برابر دانش رسمی، دانشی عامیانه هم بین مردم رواج داشته و حتی گاه جنبه وهمی و خرافی بعضی علوم بر جنبه معقول و علمی آن غلبه داشته است (محجوب، ۱۳۸۲: ۱۳۷). از طریق مطالعه داستان‌ها، حکایت‌ها و افسانه‌های عامه که از زندگی عامه مردم سرچشمه گرفته و با آن پیوندی ناگسستنی دارد، می‌توان به آداب و رسوم مرتبط با فضاها، طرز برگزاری مراسم و مهمانی‌ها و معاشرت‌های خصوصی و اجتماعی، نشست و برخاست‌ها، شیوه‌های آراستن خانه‌ها، آیین‌های شهری، وضع کوچه‌ها و میادین، بناهای مردم فقیر و نگاه آنها به بناها و خانه‌های ثروتمندان، آداب ورود و زندگی در خانه‌ها و نظایر آن پی برد.

ادبیات منظوم و اشعار

در قلمرو ادب عامیانه، شاعرانی وجود داشته‌اند که هر یک برای تأمین معاش، به پیشه‌ای اشتغال داشته و در ساعات فراغت برای سخنوری، شعر می‌سروده‌اند. نام این شاعران، کمتر در تذکره‌ها و تاریخ‌نامه‌ها آمده است؛ اما در بین مردم عادی که ذوق شعر خواندن و شعر شنیدن داشته، بسیار مشهور و معروف بوده‌اند. اشعاری از این شاعران، با مطالعه محققان فرهنگ عامه در دسترس قرار گرفته و منبع ارزشمندی برای درک ذهنیت عامیانه روزگار آنها است. به‌علاوه، شعرای نامی چون؛ مولوی^{۱۲}، نظامی^{۱۳}، خاقانی^{۱۴} و دیگران، در اشعار خود ارجاعاتی به ادب و فرهنگ عامیانه مردم عادی داشته‌اند که

توجه به آنها می‌تواند جنبه‌هایی از ذهنیت عامه نسبت به زندگی و فضای زندگی را آشکار نماید.

دیگر منابع مکتوب

منابع مکتوب تاریخ ذهنیت معماریانه عامه، محدود به آنچه گفته شد نیست. برای مثال، فتوت‌نامه‌ها از منابع مهم و ارزشمند این حوزه هستند. یکی از پرسش‌های مهم تاریخ ذهنیت این است که ذهنیات چگونه پدید آمده و رواج پیدا می‌کرده‌اند؟ فتوت‌نامه‌ها می‌توانند راهی برای پاسخ به این پرسش بگشایند^{۱۵}. می‌دانیم که بخش اعظم معماران ایران، از مردم عادی بوده و همین امر منجر به آن شده که تاریخ‌نامه‌های رسمی و تذکره‌های مهم، کمتر از آنها سخن بگویند؛ از طریق فتوت‌نامه‌های معماران و بنایان می‌توان راهی به افکار و احوال آنها یافت. فتوت‌نامه‌ها روشن می‌کنند که ذهنیت مشترک بین پیشه‌وران یک صنف چون معماران، از کجا منشأ گرفته و چه چارچوب و محتوایی داشته است.

زندگی‌نامه‌ها و خاطره‌نامه‌ها، از دیگر منابعی بوده که اطلاعات ارزشمند زیادی در خصوص موضوعات مورد علاقه رویکرد تاریخ ذهنیت در آنها یافت می‌شوند؛ برای مثال، عبدالله مستوفی در کتاب "شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه"^{۱۶}، اطلاعات بسیار مهمی درباره ساختار و اسباب و اثاثیه خانه‌های عامه و تعامل آنها با خانه‌های خواص در اختیار می‌گذارد و یا ممتحن‌الدوله، نخستین معمار تحصیل کرده به شیوه جدید، در کتاب "خاطرات ممتحن‌الدوله"^{۱۷}، اشاراتی مفید برای درک ذهنیت مردم نسبت به معمار و پیشه معماری ارائه داده است.

کتابخانه‌های بناهای مختلف، از دیگر منابع مکتوب تاریخ ذهنیت هستند. کتیبه نصب‌شده بر سردر بنای یک خانه معمولی، ممکن است دیدگاه مردم نسبت به مالکیت یک خانه را آشکار کند و یا ممکن است کتیبه‌هایی با مضامین مقدس جهت دفع شر و رفع چشم‌زخم و مانند آن، در فضاهای داخلی خانه‌ها نصب شوند. اسناد حکومتی و دیوانی که به‌طریقی به عامه مردم و زندگی آنها مرتبط بوده و اسناد مردمی چون؛ وقف‌نامه‌ها و نامه‌های عادی روزمره هم شایان توجه هستند. برای مثال، از نامه‌های مندرج در کتاب "مراسلات طهران"^{۱۸}، می‌توان به ذهنیت و دیدگاه موجود نسبت به خانه خوب و مزایا و معایب یک خانه یا زمین و نگاه عمومی نسبت به مالکیت و اجاره‌نشینی و نظایر آن راهی گشود. همچنین در دوره‌های تاریخی نزدیک‌تر به امروز، مطبوعات به‌خصوص مکتوباتی از آنها که به فرهنگ و ادب عامیانه اختصاص داشته، از منابع

تاریخ ذهنیت معماری محسوب می‌شوند.

منابع شفاهی

آن بخش از مردم عادی که در فضاهای معماری زندگی کرده و نفس کشیده و با آداب و رسوم اجتماعی یک دوره آشنا و همراه بوده، بیش از دیگران می‌توانند اطلاعات قابل‌اعتمادی در اختیار مورخ تاریخ ذهنیت بگذارند. به این ترتیب، سخنان اهل فن و سازندگان بناها و یا شاهدان و بهره‌برداران و مخاطبان آثار، از منابع شفاهی تاریخ ذهنیت هستند. علاوه بر آنها، ساختار و عناصر زبان و عبارات کلامی رایج مرتبط با معماری چون ضرب‌المثل‌ها، باید توسط مورخ این رویکرد مورد بررسی قرار بگیرند.

منابع تصویری

نقاشی‌ها و نگاره‌های دیواری و نقوش تزئینی بناها و تزئینات و نقوش اشیا و اسباب و اثاثیه باقی‌مانده از فضاهای گذشته و نقاشی‌های خیالی از بناهای افسانه‌ای و مانند آنها، گراورهای تاریخی که زندگی و آداب و رسوم اجتماعی را تصویر کرده و در دوره‌های اخیر، عکس‌های مردم و زندگی آنها در نسبت با بناها، منابع تصویری تاریخ ذهنیت به‌شمار می‌روند. گاه در گذشته، تصاویری از بناها ترسیم شده که بیش از آن که شکل واقعی بنا را نشان دهند، جلوه‌گر ذهنیت تصویرکننده بنا هستند.

اشیا و اسباب و اثاثیه

اشیای خانگی چون؛ فرش‌ها، چراغ‌ها، کرسی‌ها، آتشدان‌ها و اشیای تزئینی در سیاق خود می‌توانند بخشی از ذهنیت مردم نسبت به فضای زندگی خود را آشکار کنند. این اشیا باید در بستر زندگی آن روز قرار داده شده و با مطالعه شکل و مشخصات ظاهری، جایگاه آنها در خانه و مانند آن، به ذهنیت پشت آنها پی برد. همچنین ایرانیان گذشته، بر روی اشیا و ادوات خانگی خود اشعاری می‌نوشتند؛ این اشعار هم دریچه‌ای به تصور مردم از اسباب و اثاثیه فضاهای مختلف آنها می‌گشایند. برای مثال، جمال‌زاده (۱۳۴۲) در این زمینه، شعری را که بر بالای بخاری نوشته شده بوده چنین روایت کرده است:

گل شراب و گل آتش و گل عارض

اگر غلط نکنم فصل گل، زمستان است

دهان گشاده بخاری به‌سان بی‌ادبان

رسانده کار به جایی که چوب می‌خواهد

خوش است باده گل‌رنگ در کنار بخاری

ز دست ساقی گل‌چهره با کباب شکاری

نتیجه‌گیری

می‌توان برای شناخت برخی از وجوه ناشناخته معماری ایران، از رویکرد تاریخ ذهنیت عامه در معماری بهره برد. عامه مردم و زندگی آنها در تاریخ‌نامه‌های سیاسی و رسمی، نادیده گرفته شده‌اند و در پی آن، به معماری آنها در مطالعات تاریخی معماری کمتر پرداخته شده است. بخش اعظم آثار عامه یا از میان رفته و یا در سیاق اصلی خود قرار ندارند. تاریخ ذهنیت عامه در معماری، به جای توجه به کالبد آثار معماری، در پی شناخت ذهنیت پشت آن آثار است. مردم عادی، آثار خود را بر اساس تصورات و ذوق و سلیقه و باورها و اعتقادات خود پدید می‌آورند. آنها همچنین نسبت به آثار معماری خواص، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی داشتند؛ علاوه بر این، بعضی از آثار معماری در ذهن آنها، جنبه آرمانی و اسطوره‌ای داشت. افراد عادی نیز نسبت به پیشه معماری و شخص معمار و همکاران او، افکار و باورهایی داشتند. بر این مبنا، شناخت ذهنیت آنها در معماری، مهم و در حوزه مطالعه مورخ معماری است. از نظر این رویکرد، تاریخ معماری مردم، بر پایه تغییر حکومت‌ها و سلسله‌ها پیش نمی‌رود؛ بلکه ذهنیت مردم که روند تغییرات و تحولات در آن بسیار تدریجی و آرام است، زمینه معماری عامه را پدید می‌آورد. مورخان ذهنیت بر آن هستند که مردم عادی در لایه‌های پایین جوامع و فارغ از کشمکش‌های سیاسی و تغییر حکومت‌ها و پادشاهان، به زندگی روزمره خود ادامه می‌داده و آثار معماری در خور این زندگی پدید می‌آورند. بر همین مبنا، این رویکرد، مفهوم ایران را نه بر اساس مرزهای سیاسی آن، بلکه به معنای ایران فرهنگی تعریف می‌کند.

تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران با بهره‌گیری از روش‌های معمول در رویکرد تاریخ‌نگاری ذهنیت، به سراغ مدارک و شواهد به جای مانده از گذشته رفته و با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای آن، از انواع روش‌های معمول در علوم انسانی بهره برده تا راهی به شناخت ذهنیت عامه در معماری بگشاید. مورخ این رویکرد، باید صلاحیت لازم برای این شیوه مطالعه را به دست آورده و آدابی را رعایت کرده و همواره در پی آن باشد که خود را حتی‌الامکان در فضای ذهنی تاریخی مورد مطالعه خود قرار داده و ذهنیت معماریانه دوره مورد مطالعه خود را از این منظر - و نه با دیدگاه امروزی - آشکار کند.

تصور و نگرش مردم نسبت به آثار معماری خواص، ذهنیت مردم از معماری خصوصی، تلقی و تصور و احساس مردم نسبت به بناها و فضاهای زندگی روزمره خود از جمله؛ خانه‌ها، بازارها، مساجد، حمام‌ها، کاروانسراها و ...، نگاه مردم به معماری اسطوره‌ای و نمادین، رویکرد مردم نسبت به معمار و دیگر همکاران او در بنای آثار معماری، اندیشه و خاطرات مردم درباره فضاهای شهری و آداب و رسوم رایج در آنها، افکار مردم عادی نسبت به آبادانی و تعمیر و مرمت آثار و موضوعاتی از این دست، در حیطه موضوعی تاریخ ذهنیت و محل تمرکز آن قرار دارند.

مورخ این رویکرد برای یافتن پاسخ پرسش‌های خود درباره چنین موضوعاتی، به سراغ منابع مختلفی می‌رود. بناهای به جای مانده که با همراهی منابع مکتوب تاریخی دست اول در سیاق اصلی خود فهمیده می‌شوند، سفرنامه‌ها، داستان‌های عامیانه، متون ادبی، فتوت‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها، منابع شفاهی و تصویری، اشیا و اسباب زندگی به جای مانده از گذشته، مواد خام مورخ برای مطالعه هستند. او باید با پایبندی به آداب این رویکرد در رجوع به این منابع، در پی شناخت ذهنیت معماریانه^{۱۹} مردم عادی باشد که تا کنون نادیده گرفته شده‌اند؛ همچنین، باید چیزهایی را که بر مبنای دیگر دیدگاه‌های رایج، بدیهی و مفروض شناخته می‌شوند، کنار گذاشته و با کنجکاوی بسیار تلاش کند تا دریچه‌ای به شناخت عالم ذهنیت عامه در معماری گذشته بگشاید.

پی‌نوشت

1. History of mentalities
2. Cultural history
3. Monique Eleb
4. Anne Debarre-Blanchard



5. Architectures de la vie privée. Maisons et Mentalités.

۶. ن.ک: قیومی بیدهندی و شمس، ۱۳۹۱.
۷. ن.ک: تمسکی و اهری، ۱۳۹۵.
۸. ر.ک: شهیدی، منتشر نشده.
۹. همان‌طور که در متن آمده است؛ تاریخ ذهنیت، اصولاً تاریخ ذهنیت عامه مردم و طبقاتی غیر از اعیان و نخبگان است. با این حال، کلمه "عامه"، برای دقت بیشتر در عبارت تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران آمده است.
۱۰. ن.ک: تمسکی و اهری، ۱۳۹۵.
۱۱. رباط در فرهنگ معین، معادل کاروان سرا ذکر شده است.
۱۲. در این باره ر.ک: قشقایی و اینالویی، ۱۳۹۰.
۱۳. در این باره ر.ک: الهامی، ۱۳۸۶.
۱۴. در این باره ر.ک: کردی، ۱۳۸۷.
۱۵. در این باره ر.ک: ندیمی، ۱۳۸۶؛ خانمحمدی، ۱۳۷۰.
۱۶. ن.ک: مستوفی، ۱۳۸۸.
۱۷. ن.ک: ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳.
۱۸. در این باره ر.ک: میرزا حسن خان، ۱۳۸۴.
۱۹. در تمام متن این مقاله، آنچه را منسوب به "معماری" است، "معماریانه" خوانده‌ایم.

منابع و مأخذ

- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳). *تاریخ ابن خلدون*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الهامی، فاطمه (۱۳۸۶). انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی. *پیک نور*، سال پنجم (۱۹)، ۱۱۴-۱۰۴.
- بروگش، هاینریش (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه مهندس کردیچه، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- تسوجی تبریزی، عبداللطیف (۱۳۸۳). *هزار و یک شب*. چاپ اول، تهران: هرمس.
- تمسکی، زینب و اهری، زهرا (۱۳۹۵). از ذهنیت عامه تا تظاهر کالبدی: امام‌زاده سید اسماعیل، تهران قاجاری و رفع تعارضات اجتماعی. *تحقیقات تاریخ/اجتماعی*، سال ششم (۲)، ۸۴-۶۱.
- جمال‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۳۹). *راه آب‌نامه*. چاپ اول، تهران: معرفت.
- _____ (۱۳۴۲). *منزل با سلیقه ایرانی*. یغما، سال شانزدهم (۱۸۷)، ۴۹۶-۴۸۹.
- خانمحمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۰). *فتوت‌نامه بنایان*. صفه، ۲ (۱)، ۱۵-۱۰.
- خسروی، محمدباقر میرزا (۱۳۷۴). *شمس و طغرا*. چاپ اول، تهران: چاپ فجر اسلام.
- خوئی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *چیستی تاریخ معماری و جایگاه آن در فهم و ایجاد آثار معماری*. *گلستان هنر*، سال دوم (۶)، ۲۷-۲۰.
- سلطانی، مهدی (۱۳۸۷). *غلامان بانی*. *گلستان هنر*، سال چهارم (۱۳)، ۳۱-۲۴.
- شعبانی، امامعلی و جباری، سعیده (۱۳۹۳). حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران. *پژوهش‌نامه تاریخ/اجتماعی و اقتصادی*، ۳ (۱)، ۸۹-۱۰۹.
- شهری، جعفر (۱۳۷۶). *طهران قدیم*. چاپ اول، تهران: معین.
- شهیدی، نازنین (منتشر نشده). *"درآمدی بر تاریخ فرهنگی معماری ایران"*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطالعات معماری ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- قشقایی، سعید و اینالویی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی زبان عامیانه در دفتر پنجم مثنوی معنوی. *تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*، سال سوم (۸)، ۱۵۵-۱۸۲.
- قیومی بیدهندی، مهرداد و شمس، امید (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران*. *مطالعات معماری ایران*، سال اول (۲)، ۵-۲۶.

- کردی، رسول (۱۳۸۷). باورهای عامیانه در دیوان خاقانی. *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، سال نوزدهم (۸۶)، ۳۲-۳۷.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*. ترجمه مجید جلیل‌وند، چاپ اول، تهران: چاپ سعدی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. چاپ ششم، تهران: زوار.
- ممتحن‌الدوله، مهدی بن رضا قلی (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن‌الدوله (زندگی‌نامه میرزا مهدی خان ممتحن‌الدوله شقاقی)*. به کوشش حسینقلی خان شقاقی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- میرزا حسن خان (۱۳۸۴). *مراسلات طهران نامه‌های مباشر میرزا حسن خان مبصرالسلطنه از تهران به کاشان ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹*. بازنویسی منصوره اتحادیه، چاپ اول، تهران: تاریخ ایران.
- ندیمی، هادی (۱۳۸۶). *کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری*. چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نظامی گنجوی (۱۳۷۶). *اقبال‌نامه*. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ ششم، تهران: قطره.
- Eleb, M. & Debarre, A. (1999). *ARCHITECTURES DE LA VIE PRIVEE. Maisons et mentalités, XVIIème-XIXème siècle*. Paris: Hazan.
- Mahdavi, Sh. (2012). Everyday Life in Late Qajar Iran. *Iranian Studies*, 45 (3), 355-370.



History of Mentalities in Iranian Architecture: Subjects, Methods and References

Mahdi Soltani* Hadi Nadimi**

Abstract

In the history of Iranian architecture, different aspects of popular architecture are less known. Common people have been living in the buildings with significant architecture and had different mentalities towards them. They also had various opinions and beliefs about the profession of architecture itself, design and construction process, the architects and patrons. History of mentalities as an embranchment of cultural history was proposed by historians with regard to considerations of the people of the past toward different phenomena. We may use this historiographical approach in Iranian architecture studies and for understanding people's mentality toward different meanings of architecture. This approach studies collective and daily perceptions and views towards architecture, instead of focusing on the body of architectural properties and formal thoughts. This approach uses various common methods in humanities and has its own etiquette. Subjects and examples of the history of mentality in Iranian architecture are various. Topics such as people's mentality toward private architecture, their view to mythical architecture and also their imagination about prosperity concept are considered in this approach. This approach, with its own perspective, uses all relevant historical sources to recognize. However, some resources such as folk poetry literature, folk tales, travelogues, biographies, oral and pictorial sources, and objects related to architecture open up the way for history of mentalities in architecture more and better. The purpose of this study is analyzing the main concepts regarding the history of mentalities approach in architecture, recognizing common customs and its examples, and also introducing thematic sources of the approach.

Keywords: History of Mentalities, History of Iranian Architecture, Historiographical Approach, Popular Architecture

* PhD Candidate in Architecture, Architecture and Urban Faculty, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran.

** Professor in Architecture, Architecture and Urban Faculty, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran.